

ارائه الگوی روزنامه‌نگاری شهروندی به منظور ارتقای حقوق شهروندی در ایران

مهدی خسروشاهی^۱، فائزه تقی‌پور^۲، رضا ابراهیم‌زاده^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۶

چکیده

روزنامه‌نگاری شهروندی به نوعی از روزنامه‌نگاری اطلاق می‌شود که اغلب توسط شهروندان غیرحرفه‌ای و بیرون از سازمان رسانه‌ای جریان اصلی و رسمی تولید می‌شود، هرچند امکان دارد حرفه‌ای‌ها نیز در تولید محتوا مشارکت کنند. هدف این پژوهش، طراحی و ارائه الگوی روزنامه‌نگاری شهروندی به منظور ارتقای حقوق شهروندی در ایران براساس نظریه داده‌بنیاد است. از این رو، داده‌های پژوهش از ۲۵ نفر از صاحب‌نظران و خبرگان حوزه علوم ارتباطات و جامعه‌شناسانی که متخصص در حوزه روزنامه‌نگاری، رسانه و شبکه‌های اجتماعی بوده‌اند؛ با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و به‌واسطه روش نمونه‌گیری هدفمند و نظری، انتخاب و گردآوری شده است. همچنین برای تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها از فرایند کدگذاری نظری به‌منظور احصای مفاهیم (مقولات پایه‌ای)، مقولات فرعی و مقولات اصلی استفاده شد. پس از اشباع نظری در مباحث کارشناسی مطرح‌شده، نتایج پژوهش پیش‌رو را به الگوی مطلوب و جدید که شامل ۱۴ مقوله اصلی، ۴۹ مقوله فرعی و ۶۰۹ مفهوم بود، سوق داد که مقابله با آسیب‌های فضای رسانه‌ای، شکسته شدن انحصارگرایی و گردش آزاد اطلاعات، عدم تمرکزگرایی و به رسمیت شناختن استقلال رسانه‌ها و ضرورت توجه به حقوق شهروندی شهروندان از جمله مقوله‌های اصلی این پژوهش‌اند.

واژه‌های کلیدی

روزنامه‌نگاری شهروندی، حقوق شهروندی، نظریه داده‌بنیاد، ایران.

* این مقاله بر اساس نظر گروه دبیران و سردبیر فصلنامه، پژوهشی است.

۱. دانشجوی دکتری علوم ارتباطات اجتماعی، گروه علوم ارتباطات و کسب و کار، دانشکده علوم انسانی و حقوق، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

Khosrowshahi4@gmail.com

۲. دانشیار گروه علوم ارتباطات و کسب و کار، دانشکده علوم انسانی و حقوق، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول)
f.taghipour@khuisf.ac.ir

۳. استادیار گروه مدیریت دولتی، دانشکده علوم انسانی و حقوق، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.
r.ebrahimzadeh@khuisf.ac.ir

مقدمه

از رسانه‌ها همواره به‌عنوان محملی برای افزایش آگاهی و گسترش فرهنگ مطالبه‌گری در جامعه یاد می‌شود. رسانه‌های جدید نیز از این قاعده مستثنا نبوده‌اند؛ تا آنجا که تحولات فناورانه و اجتماعی، ظهور و بروز شهروندان روزنامه‌نگار را به واقعیت‌های اجتماعی پیرامون ما تحمیل کرده است.

از طرفی، ارتقای حقوق شهروندی، یکی از مسائل جامعه در حال گذار ایران در عصر جدید تلقی می‌شود تا آنجا که بدون شناخت موانع و برنامه‌ریزی در جهت ارتقای کم و کیف آن، مدیریت تضادهای اجتماعی و ساماندهی نظم و توسعه کشور اگر غیرممکن نباشد، حداقل بسیار مشکل خواهد بود.

از سوی دیگر، افزایش دسترسی به فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی و رشد قابل‌توجه امکانات و خدماتی که این فناوری‌ها در اختیار کاربران قرار می‌دهند، سبب شده است شهروندان عصر اطلاعات بیش از هر زمان دیگری بر فرایند ارتباطات اثرگذارند، رسانه‌های جدید را برگزینند و با خواسته‌ها و آرای خود، روند گزینش و برجسته‌سازی اخبار را در رسانه‌های جریان اصلی^۱ تحت‌تأثیر قرار دهند. در این مسیر، شهروندان، خود، محتوای موردنظر ارتباطی را تولید و در شبکه‌های اجتماعی^۲، وبلاگ‌های شخصی و رسانه‌های شهروندی^۳ منتشر می‌کنند و به اشتراک می‌گذارند. از این‌رو، روند تولید و نشر اطلاعات، رنگ و رویی دیگر یافته است.

در این زیست‌بوم جدید، به دلیل مشارکت مستقیم مخاطبان رسانه‌ها در سطوح شهروندی و مردمی، فضایی جدید برای مطالبه حقوق شهروندی فراهم شده (Bowman & Willis, ۲۰۱۰) و این سؤال در ذهن شکل می‌گیرد که آیا روزنامه‌نگاری شهروندی می‌تواند موجب ارتقای حقوق شهروندی در ایران شود و درنهایت آن را در قالب الگویی مفهومی ارائه داد؟

لذا این پژوهش، بر آن است تا با رهیافت نظریه داده‌بنیاد به طراحی الگوی

- 1 . Citizens of the Journalist
- 2 . Mainstream
- 3 . Social Networks
- 4 . Citizen Media

مطلوب از روزنامه‌نگاری شهروندی به منظور ارتقای حقوق شهروندی در ایران بپردازد؛ چراکه پیشبرد برنامه‌های اصلاح و تغییر اجتماعی و سیاسی، خارج از دایره رسانه‌ها، به‌خصوص رسانه‌های نوین و فعالیت شهروندان روزنامه‌نگار، اقبالی برای کنشگری و جلب افکار عمومی ندارند (کاستلز، ۱۳۹۳: ۳۸۲).

پیشینه پژوهش

- مهدی‌زاده و شیفته (۱۳۹۸) تحقیقی با عنوان «تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر تحقق دموکراسی دیجیتال» انجام داده‌اند که یافته‌های پژوهش نشانگر میزان استفاده بالا از شبکه‌های مجازی و خدمات دولت الکترونیک و وجود رابطه بین شبکه‌های اجتماعی، دولت الکترونیک و دموکراسی دیجیتال است.
- سهامی و دیگران (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای به بررسی رابطه آگاهی از حقوق شهروندی و کیفیت زندگی در بین زنان ۴۴-۲۵ سال شهر شیراز پرداخته‌اند. این تحقیق به روش پیمایش و گردآوری اطلاعات از طریق پرسشنامه انجام شده است. نتایج تحقیق از رابطه معنادار میان حقوق شهروندی و کیفیت زندگی سخن به میان آورده است.
- رستگارخالد و دیگران (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای به ارائه چهارچوبی مفهومی برای شهروندی دموکراتیک پرداخته است. این پژوهش، حقوق شهروندی دموکراتیک را نقطه پیوند مباحث شهروندی و دموکراسی می‌داند. در این رویکرد، شهروندان با داشتن آگاهی از حقوق شهروندی، خواهان مشارکت در جامعه‌اند و از طرف دیگر، دموکراسی نیز برای استقرار و تثبیت، نیازمند شهروندی دموکراتیک است. این تحقیق، از طریق مطالعات اسنادی انجام شده است.
- شبیانی و سپهوند (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای به بررسی رابطه کمی و کیفی برنامه‌های تلویزیونی و آگاهی از حقوق شهروندی پرداخته‌اند. این پژوهش از طریق پیمایش و با ابزار پرسشنامه انجام شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که تلویزیون در بالا بردن آگاهی مردم در زمینه حقوق شهروندی مؤثر است و زمینه را برای تحقق دموکراسی و جامعه شهروندمدار

فراهم می‌کند.

- عنایتی و همکاران (۱۳۹۱)، در تحقیقی با موضوع رابطه آگاهی از حقوق شهروندی با رفتارهای اجتماعی دانشجویان دریافتند که سه بعد حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی دارای رابطه معناداری با رفتارهای اجتماعی‌اند و رفتارهای اجتماعی دانشجویان، انعکاسی از میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی است.
- سونگ جی مین (۲۰۱۶)، در مقاله‌ای با عنوان گفت‌وگو از طریق روزنامه‌نگاری، جستجو برای سازماندهی اصول روزنامه‌نگاری شهروندی و عمومی، به بررسی این موضوع می‌پردازد که جنبش‌های روزنامه‌نگاری عمومی و شهروندی در سال‌های اخیر، چگونه توانسته‌اند بیشتر به زندگی دموکراتیک منفعت برسانند. بحث اصلی مقاله به این موضوع می‌پردازد که چگونه انسان‌ها در مکالمات خویش، اخبار را به عنوان فرایندی برای مذاکره‌های اجتماعی و سازماندهی اصولی روزنامه‌نگاری هر روزه انتخاب می‌کنند.
- سون گان ناه و ماساهیرو یاماماتو (۲۰۱۵) نیز در پژوهشی با عنوان «بسترسازی اقتباس و استفاده از روزنامه‌نگاری شهروندی در روزنامه‌های آنلاین» به بررسی این موضوع می‌پردازند که روزنامه‌نگاری حرفه‌ای تا چه حد از روزنامه‌نگاری شهروندی اقتباس و استفاده می‌کند. این مطالعه نشان می‌دهد که تجربه و ساختار کثرت‌گرای جامعه نقش بسیار مهمی را در استفاده و اقتباس از محتوای ایجادشده توسط کاربران دارد.
- الغدی (۲۰۱۴)^۲ در مقاله‌ای دیگر با عنوان «روزنامه‌نگاری شهروندی در خیزش مردم سوریه، مشکلات بیان غربی در بافت محلی» به بررسی روزنامه‌نگاری شهروندی از نگاه مردم سوریه و در بطن واقعه می‌پردازد. از نظر وی روزنامه‌نگاری شهروندی در روند دموکراسی جهان عرب مؤثر و از استفاده آن توسط تروریست‌ها نگران است.
- مروری بر سوابق تحقیق نشان می‌دهد که پژوهش‌های داخلی و خارجی

1 - Nah, Sun Gun & Yamamoto, Masahiro

2 - Alghazi

به اهمیت و کارکردهای مختلف روزنامه‌نگاری شهروندی در تحقق دموکراسی دیجیتال، تأثیرگذاری بر فرهنگ سیاسی مردم و ابزاری برای بیان صدای خفته مردم دلالت دارند، ولی هیچ‌یک از پژوهش‌های قبلی به طراحی الگوی مطلوب از روزنامه‌نگاری شهروندی به‌منظور ارتقای حقوق شهروندی در ایران براساس نظریه داده‌بنیاد مبادرت نمودند. امری که این پژوهش، درصدد مطالعه آن است.

مبانی نظری پژوهش

روزنامه‌نگاری شهروندی

واژه روزنامه‌نگاری شهروندی برای نخستین بار در سال ۲۰۰۰ میلادی بکار رفت، اما تجربه آن به سال‌های دورتر بازمی‌گردد. سرعت تحولات فناورانه نیز روزنامه‌نگاری شهروندی را از گذشته متفاوت کرده است؛ تا جایی که می‌توان به لحاظ نظری تلاش‌هایی را که از سوی شهروندان برای اثرگذاری بفرایندهای اجتماعی و سیاسی از طریق رسانه‌های وقت انجام می‌شود، در چهارچوب روزنامه‌نگاری شهروندی جای داد (خانیکی والوندی، ۱۳۹۰: ۸).

روزنامه‌نگاری شهروندی از یک‌گونه روزنامه‌نگارانه، مانند روزنامه‌نگاری آنلاین فراتر رفته است؛ به صورتی که به آن نوع از روزنامه‌نگاری بازمی‌گردد که اغلب توسط شهروندان غیرحرفه‌ای و بیرون از سازمان رسانه‌ای رسانه‌های جریان اصلی و رسمی تولید می‌شود، هرچند امکان دارد حرفه‌ای‌ها نیز در تولید محتوا مشارکت کنند (عقیلی و هاشمی، ۱۳۹۱: ۱۶۵).

مفهوم حقوق شهروندی

براساس تفکر فلسفی یونانی و رومی، جمهوری‌خواهی مدنی بر نیاز شهروندان به عمل سیاسی در حوزه عمومی و مشارکت فعالانه در یک جامعه سیاسی به عنوان شهروندان برابر و آزاد تأکید کرده است. در مقایسه با سنت لیبرال، این رویکرد، جایگاه بیشتری برای وظایف و مسئولیتها در تعامل و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های سیاسی فراهم می‌کند (Hoskins et al, 2012: 12).

در دموکراسی‌های غربی، توسعه مفهوم شهروندی گاهی اوقات از سنتهای

جمهوری خواه مدنی مشتق شده است (Crick, 2003: 10). این رویکرد بر خواسته‌های شهروندان مبنی بر حفظ نهادهای دموکراتیک تأکید دارد که به نوبه خود، منجر به تضمین آزادی‌های بیشتر می‌شود. از این منظر، شهروندان به طور قانونی به بازیگرانی فعال برای تغییر اجتماعی و ابزاری برای جلوگیری از فساد تبدیل می‌شوند (Lovett, 2010: 198).

به نظر مارشال، شهروندی پایگاهی است که به تمامی افرادی که عضو تمام عیار اجتماع هستند، داده شده است. این افراد همگی دارای جایگاه برابر و حقوق و وظایف و تکالیف متناسب با این پایگاهند. وی شهروندی را شامل حقوق مدنی، حقوق سیاسی^۲ و حقوق اجتماعی^۳ می‌داند (Friedmann, 2014: 168).

همچنین در فرهنگ علوم سیاسی، شهروند^۴ به کسی اطلاق می‌شود که از حقوق و امتیازات مندرج در قانون اساسی یک کشور برخوردار است (آقابخشی، ۱۳۹۳: ۹۴) و در یک برداشت کلی چنین می‌توان بیان داشت که شهروندی مقوله‌ای است مرتبط با نحوه عملکرد افراد، به نحوی که آنها قادر باشند در یک جامعه دموکراتیک محیط خود و محیط اجتماعی سایرین را به نحو مثبت و بارزی متأثر سازند (عالمی، ۱۳۸۷: ۸۶).

در ادامه، شهروندی انتقادی به عنوانی مفهومی جامع تلاش کرده است تا چهارچوبی برای شهروندی در شرایط متفاوت باشد (Abowitz and Harnish, 2015: 67). برای مثال در این رویکرد بر نقد و بهبود جامعه از طریق عمل اجتماعی و سیاسی و براساس ایده‌های توانمندسازی و عدالت اجتماعی که توسط پائولو فریره بیان شده، تمرکز می‌شود (Johnson & Morris, 2010: 80). این مدل، بر دیدگاه پویاتری از دموکراسی که مبتنی بر شهروند انتقادی و متعهد است؛ تأکید می‌کند. اصطلاح دیگر، شهروند دموکراتیک انتقادی است که در آن، شهروندان به طور فعال در ایجاد دموکراسی قوی و پویا درگیرند (Veugelers, 2007: 112). همچنین مدل‌های انتقادی شهروندی دیگری که بر مشارکت برابر در روابط قدرت تمرکز دارد

- 1 . civil rights
- 2 . Political rights
- 3 . social rights
- 4 . Citizen

نیز وجود دارند. برای مثال، ویستایمر و کین (۲۰۰۴) از عدالت اجتماعی و موفه (۲۰۰۵) از مبارزه برای روابط قدرت برابر بیشتر، به عنوان بخشی از شهروندی بحث می‌کنند.

به عبارت دقیق‌تر، هسته مشترک تمامی تعاریف که با محوریت دو مقوله کلیدی حق و وظیفه همراه است، شهروندی را مفهومی به هم‌پیوسته از حقوق و وظایف مدنی، سیاسی و اجتماعی می‌داند که به مثابه نوعی پایگاه، شأن و عضویت اجتماعی به تمامی افراد جامعه اعطاء شده است و فارغ از تعلقات طبقاتی، نژادی، قومی، مذهبی و اقتصادی، همگان را یکسان فرض می‌کند و آنها را واجد حق برخورداری از تمامی امتیازات، منابع و مزایای حاصله از جامعه می‌داند که در نهایت مسئول، مکلف و موظف به مشارکت در جامعه‌ای هستند که در آن زندگی می‌کنند (منوچهری و نجاتی حسینی، ۱۳۸۵: ۳).

پس در نگاهی جامع، حقوق شهروندی^۱ به مفهومی محوری برای دموکراسی و استقلال فردی تبدیل شده و از آن به عنوان سنت فکری و سیاسی در دوران مدرن یاد می‌شود (shafir, 2012: 51). به عبارت دیگر، حقوق شهروندی، حقوق نهادینه‌ای است که اعضای یک جامعه خاص، با عنوان حقوق خاصی از آن برخوردارند و نحوه اعطا و اجرای آنها می‌تواند در جوامع مختلف متفاوت باشد (Ijza, 2017: 20).

حقوق شهروندی و رسانه‌ها

رشد و توسعه مفهوم حقوق شهروندی، درخواست حقوق برابر در جامعه و توزیع عادلانه قدرت، همواره با رشد و توسعه رسانه‌ها عجین بوده است؛ به طوری که انسان‌ها در طول تاریخ سعی کرده‌اند، صدای عدالت‌خواهی و آزادی‌خواهی خود را از طریق رسانه‌ها رساتر و بلندتر فریاد زنند.

در این راستا، شکل‌گیری رسانه‌های مکتوب، پیدایش صنعت چاپ و شکل‌گیری دولت-ملت‌ها در سراسر جهان به توسعه این مفهوم، شتابی دوچندان بخشید. در ادامه تکنولوژی‌های جدید رسانه‌ای و تعریف متفاوت آنها از رسانه‌ها، مخاطب و پیام، مفهوم شهروندی را جانی دوباره بخشید؛ چرا که هر یک از شهروندان خود را به مثابه یک رسانه و چشم بینای جامعه می‌دانند و در فضای رسانه‌ای فراهم

1. Citizenship Rights

شده که کمتر کنترل دولت‌ها را دربردارد، نگاهی جدید به مفاهیمی چون حقوق شهروندی، وظایف دولت‌ها و مسئولیت‌های اجتماعی خواهند داشت.

مانوئل کاستلز^۲: جامعه شبکه‌ای و اطلاعاتی

مانوئل کاستلز، جامعه‌شناس اسپانیایی و نویسنده سه‌گانه مهم عصر اطلاعات^۳، برای بررسی و تحلیل جایگاه شهروند جهانی در نظریاتش به خلق و تبیین مفهوم جامعه شبکه‌ای^۴ می‌پردازد. وی در تبیین باورهای خویش معتقد است: جوامع به‌طورکلی به‌واسطه فناوری‌های اطلاعاتی تغییر شکل یافته‌اند و همین عامل، سبب خلق دنیای جدیدی شده که وی نام آن را «جامعه شبکه‌ای» می‌گذارد (خانگی و کوهستانی، ۱۳۹۴: ۲۸). کاستلز در تئوری جامعه شبکه‌ای خود تأکید می‌کند، ما با جامعه جدیدی مواجهیم که فناوری‌های نوین ارتباطاتی آن را ساخته است. در این جامعه، مرزهای سنتی، بومی و رسمی در ارتباطات از میان‌رفته و شبکه جای نهادهای گذشته را گرفته است. از خصوصیات مهم جامعه شبکه‌ای، فعالیت جنبش‌هایی است که هویت‌های حذف‌شده و به‌حاشیه‌رانده‌شده را جست‌وجو می‌کند.

وی ارتباطات الکترونیک را فرصتی برای تقویت مشارکت سیاسی و ارتباط افقی میان شهروندان می‌داند. از دیدگاه او دسترسی مستقیم و هم‌زمان به اطلاعات و ارتباطات کامپیوتری باعث تسهیل انتشار و اصلاح اطلاعات می‌شود و امکاناتی برای تعامل و مباحثه در عرصه‌های خودمختار و الکترونیک عرضه می‌کند که از کنترل رسانه‌ها خارج است. کاستلز معتقد است که این فرایند باعث انعطاف و انطباق‌پذیری عرصه سیاسی می‌شود (کاستلز، ۱۳۸۴: ۲۵).

درواقع با بهره‌گیری از ظرفیت‌های رسانه‌های شهروندی و شبکه‌های اجتماعی توانمندسازی اجتماعی صورت جدیدی یافته است. با این رویکرد، کاستلز مشهورترین اندیشمندی است که «جامعه شبکه‌ای» را در کنار دو مؤلفه دیگر یعنی «فضای جریان‌ها» و «واقعیت مجازی» به‌عنوان سه مفهوم کلیدی نظریاتش مورد بررسی قرار داده است.

- 1 . social responsibility
- 2 . Manuel Castells
- 3 . Information Age
- 4 . Network Society

بررسی ابعاد مختلف دیدگاه‌های وی به‌خوبی نشان‌دهنده آن است که این دیدگاه‌ها تا چه اندازه می‌تواند به فهم بهتر از کارکردهای روزنامه‌نگاری شهروندی کمک کند (باباخانی، ۱۳۹۱: ۶۵)

در تعریف جامعاً شبکه‌ای کاستلز، از منطق شبکه‌ای و آثار اجتماعی آن سخن می‌رود که در آن «قدرت جریان‌ها از جریان‌های قدرت» پیشی می‌گیرد و غیبت یا حضور در شبکه و پویایی هر شبکه در برابر دیگر شبکه‌ها، منابع حیاتی سلطه و تغییر در جامعه‌اند. جامعه‌ای که ویژگی آن برتری ریخت اجتماعی برکنش اجتماعی است (کاستلز، ۱۳۸۰: ۵۴۳). از این منظر، فناوری‌های نوین ارتباطی از طریق امکانات بی‌زمان و بی‌مکانی که در اختیار باورها و عقاید مختلف سیاسی، فرهنگی و اجتماعی قرار می‌دهند، همواره به تقویت جریان‌های مقاومت در برابر جریان قدرت و سلطه کمک کرده‌اند که از منظرهای گوناگونی این فاصله و بهره‌برداری گروه‌های اقلیت از فناوری برای پوشاندن فاصله ایجادشده، موردبررسی قرارگرفته است (Castells, ۲۰۰۷: ۲۳۸-۲۶۶).

روش پژوهش

این پژوهش، به لحاظ ماهیت پژوهش در زمره تحقیقات اکتشافی، به لحاظ نوع پژوهش کاربردی، به لحاظ استراتژی پژوهش دارای استراتژی استقرایی و به لحاظ ماهیت داده‌ها در زمره طرح پژوهشی کیفی و از نوع نظریه داده‌بنیاد^۱ براساس مدل پارادایمی استراوس و کربین (۱۳۹۷) است (نقل از دانایی‌فرد و امامی، ۱۳۸۶: ۱۳۰). نظریه داده‌بنیاد براساس تعریف پدیدآورندگان آن یعنی گلیزر و استرواس^۲ یکی از راهبردهای پژوهش کیفی قلمداد می‌شود که از طریق آن نظریه بر مبنای مفاهیم اصلی حاصل از داده‌ها شکل می‌گیرد به بیان دقیق‌تر، نظریه زمینه‌ای، نظریه‌ای است که مستقیماً از داده‌هایی استخراج شده است که در جریان پژوهش، به‌صورت منظم گرد آمده و تحلیل شده‌اند (Glaser & Strauss, ۱۹۶۷). در این روش، گردآوری داده‌ها، تحلیل و نظریه نهایی با یکدیگر در ارتباط تنگاتنگ است و پژوهشگر کار را با نظریه‌ای از قبل در ذهن شروع نمی‌کند؛ بلکه کار را در عرصه واقعیت آغاز می‌کند و اجازه می‌دهد نظریه از درون داده‌هایی که

1. Grounded theory
2. Glazer & Strauss

گرد می‌آورد، پدیدار شود (استراوس و کربین، ۱۳۹۷: ۳۴ و ۳۵). هدف نهایی این راهبرد، ارائه تبیین‌های جامع نظری درباره یک پدیده خاص است که به صورت استقرایی از مطالعه آن پدیده، حاصل می‌شود. به‌طور کلی، این راهبرد، داده‌های حاصل از منابع اطلاعاتی را به مجموعه‌ای از کدها، کدهای مشترک را به مقوله و مقوله‌ها را به نوعی نظریه تبدیل می‌کند (حریری، ۱۳۹۰: ۵۶).

مراحل انجام نظریه داده‌بنیاد در این پژوهش عبارت‌اند از: تدوین پرسش‌های پژوهش، گردآوری داده‌ها، کدگذاری داده‌ها در سه مرحله، شامل کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی و طراحی الگو براساس نظریه داده‌بنیاد که مبتنی بر شناسایی عناصر شش‌گانه: شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌ای، راهبردهای کنش/ واکنش، پیامد و پدیده محوری و ارتباط بین آنهاست. به اعتقاد استروس و کوربین (۱۹۹۸) کاربرد این مدل پژوهشگر را قادر می‌سازد تا درباره داده‌ها به‌طور منظم بیندیشد و آنها را به هم مرتبط کند (به‌نقل از ازکیا و ایمانی جاجرمی، ۱۳۹۰: ۹۷-۹۵).

جامعه آماری این پژوهش، متشکل از خبرگان و صاحب‌نظران حوزه‌های علوم ارتباطات و جامعه‌شناسان متخصص در حوزه روزنامه‌نگاری، رسانه و شبکه‌های اجتماعی بوده است. بنابراین داده‌های پژوهش کیفی با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند (گام اول) و نظری (گام دوم) و انجام مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۲۵ نفر از خبرگان و صاحب‌نظران حوزه‌های مذکور به اشباع نظری رسیده است و مرحله جمع‌آوری داده‌های کیفی متوقف شده است. (جدول شماره ۱)

برای اعتبارسنجی (قابلیت اطمینان و باورپذیری) مقولات پایه‌ای، فرعی و اصلی و نیز الگوی بر ساخته از دو روش ارزیابی اعتبار به شیوه ارتباطی (یعنی توسط اعضای مصاحبه‌شونده کنترل شد) و نیز تشکیل گروه کانونی متشکل از اساتید و صاحب‌نظران حوزه علوم ارتباطات اجتماعی و جامعه‌شناسی نیز استفاده شده است (فلیک، ۱۳۸۸: ۱۴۱۵). علاوه بر آن، برای پایایی‌سنجی (قابلیت تکرار و قابلیت تعمیم‌پذیری) مقولات پایه‌ای، فرعی و اصلی و نیز الگوی بر ساخته شده از روش ضریب پایایی یا توافق درونی بین دو کدگذار (محقق با محقق همکار) در فرایند کدگذاری با استفاده از ضریب پایایی هولستی استفاده شده است و لذا ناهماهنگی‌های به وجود آمده از طریق بازنگری داده‌ها مرتفع شده است (مقدار ضریب مذکور بالای

۸/۰ برآورد شده است). در نهایت، به‌منظور قابلیت تعمیم‌پذیری سعی شد تا حد امکان، نمونه‌گیری نظری به‌صورت منظم و جامع انجام شود (اشتراوس و کربین، ۱۳۸۷: ۲۸۴ - ۲۸۳). لذا از سطوح مختلف نخبگانی در دو بخش اجرایی و دانشگاهی و نیز رشته‌های مختلف دعوت به مصاحبه شده است.

جدول ۱. مشخصات مشارکت‌کنندگان در پژوهش

کد	تحصیلات	جنس	سن	فعالیت و سابقه کاری
۱	دکتری علوم ارتباطات اجتماعی	زن	۴۵	استاد دانشگاه تهران شمال، پژوهشگر حقوق رسانه‌ها
۲	دکتری علوم ارتباطات اجتماعی	مرد	۴۳	مدیر دانشکده پژوهش‌های ارتباطی سوره
۳	دکتری مطالعات فرهنگی	زن	۴۰	استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان
۴	دکتری علوم ارتباطات اجتماعی	مرد	۴۹	استاد دانشگاه و فعال رسانه‌ای
۵	دکتری علوم ارتباطات اجتماعی	مرد	۵۵	استاد دانشگاه علامه طباطبایی و فعال رسانه‌ای
۶	دکتری علوم ارتباطات اجتماعی	مرد	۵۱	استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی و فعال رسانه‌ای
۷	دکتری علوم ارتباطات اجتماعی	مرد	۶۰	استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی و فعال رسانه‌ای
۸	دکتری علوم ارتباطات اجتماعی	زن	۵۵	استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی و فعال رسانه‌ای
۹	دکتری علوم ارتباطات اجتماعی	مرد	۵۷	استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی تهران جنوب
۱۰	دکتری علوم ارتباطات اجتماعی	مرد	۵۹	استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی تهران شمال
۱۱	دکتری جامعه‌شناسی	مرد	۵۵	استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران
۱۲	دکتری جامعه‌شناسی	مرد	۶۵	استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران
۱۳	دکتری جامعه‌شناسی	مرد	۵۴	استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی
۱۴	دکتری جامعه‌شناسی	مرد	۶۳	استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی
۱۵	دکتری علوم ارتباطات اجتماعی	مرد	۶۶	استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی
۱۶	دکتری علوم ارتباطات اجتماعی	مرد	۶۷	استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی
۱۷	دکتری فرهنگ و ارتباطات	مرد	۴۶	مدیر گروه رادیو و استاد دانشگاه
۱۸	دکتری زبان‌شناسی	مرد	۳۹	مدیر گروه تلویزیون و استاد دانشگاه
۱۹	دکتری زبان‌شناسی	زن	۴۲	مدیر طرح و برنامه معاونت صدا و استاد دانشگاه
۲۰	دکتری مطالعات فرهنگی	مرد	۶۰	مدیر گروه دانشکده پژوهش‌های ارتباطی سوره
۲۱	دکتری علوم ارتباطات اجتماعی	مرد	۴۱	روزنامه‌نگار و فعال رسانه‌ای
۲۲	دکتری اقتصاد	مرد	۶۷	استاد دانشگاه و فعال رسانه‌ای
۲۳	دکتری حقوق	مرد	۴۸	استاد دانشگاه آزاد اسلامی علوم تحقیقات
۲۴	دکتری توسعه	مرد	۷۰	فعال رسانه‌ای و مدیر روابط عمومی
۲۵	دکتری علوم ارتباطات اجتماعی	مرد	۴۷	استاد دانشگاه و فعال مدنی

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، به‌منظور دستیابی به مقولات اصلی و برساخت الگوی مطلوب از روزنامه‌نگاری شهروندی به‌منظور ارتقای حقوق شهروندی در ایران، براساس نظریه داده‌بنیاد از فرایند کدگذاری نظری در سه مرحله کدگذاری باز (کشف مفاهیم)، کدگذاری محوری (کشف مقولات فرعی) و کدگذاری گزینشی یا انتخابی (کشف مقولات اصلی) در قالب نظریه گزندد تئوری استفاده شد. بدین‌منظور در مرحله کدگذاری باز (کشف مفاهیم) ابتدا داده‌های حاصل از فرایند مصاحبه عمیق با ۲۵ نفر از اساتید و صاحب‌نظران حوزه‌های علوم ارتباطات اجتماعی و جامعه‌شناسان متخصص در حوزه‌های روزنامه‌نگاری، رسانه و شبکه‌های اجتماعی پس از استخراج، به‌صورت عبارات و جملات در ۶۹۲ جمله تدوین و گردآوری شد. این عبارات به‌منظور حذف عبارات (جملات) مشابه و نامرتب و کم‌اثر پس از بازخوانی دوباره به ۶۵۰ عبارت (جمله) و سپس به ۶۰۹ عبارت (جمله) مبدل شدند. در این فرایند و به‌منظور کشف مفاهیم، از کدهای زنده (استفاده از مفاهیمی که مشارکت‌کنندگان به‌کاربرده‌اند) و نیز مفاهیم برخاسته از نوشته‌ها (استفاده از مفاهیم در نظریه‌های موجود) استفاده شده است. با تعیین و مشخص شدن مفاهیم و مقولات پایه‌ای (۶۰۹ عبارت)، مرحله کدگذاری باز به اتمام رسید و فرایند کدگذاری محوری و کشف مقوله‌های دست اول (مقوله‌های فرعی) آغاز شد. لذا داده‌ها (همان مفاهیم مستخرج از فرایند کدگذاری باز) با شیوه‌های جدید (ترکیب و تلخیص) به یکدیگر پیوند خوردند تا پیوندهای میان مقوله‌ها با مقولات فرعی‌شان برقرار شود. منتهی همان‌گونه که در سطور قبل بیان شد، این مرحله و نیز مرحله کدگذاری گزینشی، براساس عناصر نظریه گزندد تئوری که شامل: شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌ای، پدیده یا مقوله محوری، راهبردهای عمل و پیامدهاست، انجام‌شده تا نظامی منطقی و روشمند درباره داده‌ها و ارتباطشان با یکدیگر ایجاد شود. پس از کدگذاری محوری و کشف مقولات فرعی (۴۹ مقوله) پژوهش، وارد مرحله نهایی یعنی کدگذاری گزینشی یا انتخابی شد. در این مرحله، مقولات اصلی (۱۴ مقوله) به‌منظور شکل‌گیری چهارچوب نظری اولیه به مقولات فرعی که در بخش کدگذاری محوری معرفی شدند، مرتبط شدند.

در جدول شماره (۲)، ابتدا مقولات اصلی و فرعی حاصل از کدگذاری باز، محوری و گزینشی را خواهیم آورد و در ادامه (جدول شماره ۳) به دلیل مفصل بودن بیان تمام مفاهیم (۶۰۹ عبارت)، به ذکر مفاهیم مرتبط با مقوله‌های اصلی «تبعات فرهنگی» و «تبعات سیاسی- اجتماعی» که مقوله اول، شامل ۲ مؤلفه یا مقوله فرعی، «رشد و شکوفایی شخصیت فردی» و «رشد و شکوفایی اجتماعی» و مقوله دوم، شامل ۴ مؤلفه یا مقوله فرعی «افزایش آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی»، «تغییر نگاه مخاطب به مفهوم قدرت»، «دولت‌ها و احترام به حقوق شهروندی» و «مشروعیت بخشی به دولت‌ها» است، اکتفا می‌کنیم:

جدول ۲. مقولات اصلی و فرعی حاصل از کدگذاری

مقولات اصلی	مقولات فرعی (مؤلفه‌ها)
مقابله با آسیب‌های فضای رسانه‌ای	موانع و تهدیدات سیاسی
	موانع و تهدیدات ارتباطی
	موانع و تهدیدات اقتصادی
	حاکم بودن فضای انحصاری و سوءاستفاده از رسانه‌ها
	بی‌اعتمادی به روزنامه‌نگاری شهروندی
	عدم پشتوانه علمی در روزنامه‌نگاری شهروندی
	عدم مشروعیت و نگاه منفی به روزنامه‌نگاری شهروندی
	بی‌اعتمادی به روزنامه‌نگاری سنتی
توسعه فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی	نفوذ و قدرت فضای مجازی
	توسعه فناوری‌ای ارتباطی
شکسته شدن انحصارگرایی و گردش آزاد اطلاعات	از میان رفتن تمرکزگرایی در حوزه رسانه‌ای
	دسترسی آسان به اطلاعات
	فراهم کردن زیرساخت‌های ارتباطی از سوی دولت
اثرپذیری افراد خانواده از فضای مجازی	ضرورت توجه والدین به محتوای دریافتی فرزندان از فضای مجازی
	ضرورت تعبیه قوانین مصونیت‌بخش برای خانواده‌ها در استفاده از فضای مجازی
	برنامه‌ریزی برای افزایش سواد رسانه‌ای خانواده‌ها
	تولید محتوای مناسب در فضای مجازی برای خانواده‌ها

ادامه جدول ۲. مقولات اصلی و فرعی حاصل از کدگذاری

مقولات اصلی	مقولات فرعی (مؤلفه‌ها)
توجه به ساختار محتوایی رسانه‌ها	تولید محتوا در روزنامه‌نگاری شهروندی
	اهمیت تولید محتوا از سوی شهروندان در ترغیب مشارکت اجتماعی
	جریان‌سازی محتوای مفید و مناسب در فضای مجازی
جهت‌گیری کنشی فعالانه شهروندان	تمایل شهروندان به تولید محتوا در روزنامه‌نگاری شهروندی
	مردمی بودن محتوای روزنامه‌نگاری شهروندی
	تکامل و معنایابی شهروندان در تعامل با فضای مجازی
تعامل بین رسانه‌های جریان اصلی و رسانه‌های اجتماعی	ترکیب رسانه سنتی و مجازی
	جایگزین بودن رسانه‌های مجازی
	شفاف‌سازی و اصلاح قوانین
ساماندهی و تدوین قوانین مناسب	تدوین قوانین موجد آزادی‌های مدنی
	ضرورت تصویب قانون جامع رسانه‌ای در کشور
	تغییر نگرش منفی نسبت به مشارکت اجتماعی
توانمندسازی فرهنگی شهروندان	ارتقای سواد رسانه‌ای و آموزش شهروندان
	تقویت آگاهی‌های اجتماعی شهروندان
	فهم تهدیدگونه مدیران از فضای مجازی
پذیرش و گسترش روزنامه‌نگاری شهروندی	نبود نگاه علمی به روزنامه‌نگاری شهروندی در کشور
	شرایط اجتماعی و سیاسی ایران
	روزنامه‌نگاری شهروندی و تغییر نگاه به مفهوم شهروند
عدم دخالت دولت‌ها و به رسمیت شناختن استقلال رسانه‌ها	کاهش اقتدار دولت‌ها در فضای رسانه‌ای
	پذیرش استقلال و آزادی عمل رسانه‌ها
تقویت حوزه عمومی و جامعه مدنی	تقویت روحیه مطالبه‌گری
	تقویت گستره همگانی و تفاهم بین اذهانی
	نهادینه‌سازی فرهنگ گفت‌وگو
	تقویت اعتماد اجتماعی
	تقویت مشارکت مدنی
	تقویت روحیه انتقادی شهروندان

ادامه جدول ۲. مقولات اصلی و فرعی حاصل از کدگذاری

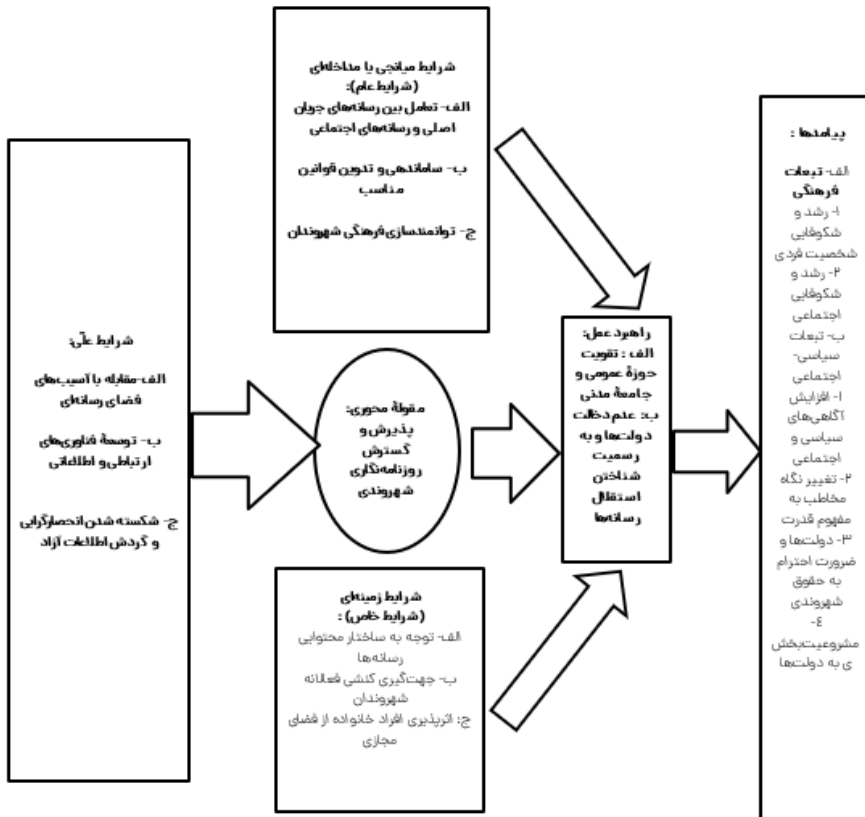
مقولات اصلی	مقولات فرعی (مؤلفه‌ها)
تبعات فرهنگی	رشد و شکوفایی اجتماعی
	رشد و شکوفایی شخصیت فردی
تبعات سیاسی- اجتماعی	تغییر نگاه مخاطب به مفهوم قدرت
	دولت‌ها و احترام به حقوق شهروندی
	مشروعیت‌بخشی به دولت‌ها
	افزایش آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی

جدول ۳. نمونه‌ای از عبارت تلخیص‌شده برای ساخت مقولات فرعی و اصلی

مقوله اصلی	مقوله‌های فرعی	گویه‌ها و عبارت‌های تلخیص‌شده	
تبعات فرهنگی	رشد و شکوفایی شخصیت فردی	روزنامه‌نگاری شهروندی و رشد شخصیت فردی	
		شبکه‌های اجتماعی و ظهور نمودهای جدید شخصیتی در افراد	
		تمایل به خودآشنایی در کاربران شبکه‌های اجتماعی	
	رشد و شکوفایی اجتماعی	روزنامه‌نگاری شهروندی و رشد شخصیت اجتماعی	
		روزنامه‌نگاری شهروندی و افزایش مشارکت شهروندان	
		جامعه شبکه‌ای مبتنی بر مشارکت	
تبعات سیاسی- اجتماعی	افزایش آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی	اطلاعات کالای اساسی شبکه‌های اجتماعی	
		شهروندان و دسترسی بیشتر به اطلاعات در دنیای کنونی	
		تنوع و تعدد رسانه‌ها؛ ویژگی دنیای جدید	
	تغییر نگاه مخاطب به مفهوم قدرت	شبکه‌های اجتماعی و تغییر نگاه به مفهوم قدرت	
		شبکه‌های اجتماعی و نرم شدن مفهوم قدرت	
		عادی‌انگاری سیاسیون در دنیای کنونی از سوی شهروندان	
	دولت‌ها و احترام به حقوق شهروندی	شهروندان؛ تابع نظام‌های سیاسی جدید	
		دولت‌ها و احترام به فضای مجازی	
		دولت‌ها و زمینه‌سازی برای تولید محتوا در شبکه‌های اجتماعی	
	مشروعیت بخشی به دولت‌ها	دولت‌ها و افزایش آگاهی مخاطبان	دولت‌ها و افزایش آگاهی مخاطبان
			رسانه‌های مجازی و مشروعیت‌بخشی به دولت‌ها
		مشروعیت بخشی به دولت‌ها	فضای مجازی و گسترش دموکراسی‌های غیرمستقیم
اینترنت؛ فرصتی برای مشارکت برابر افراد در جامعه			

برآیند مطالعات در این پژوهش منجر به شکل‌گیری الگوی ذیل براساس پارادایم گزند تئوری استراس و کوربین شده است:

شکل ۱. طراحی الگو از روزنامه‌نگاری شهروندی به منظور ارتقای حقوق شهروندی در ایران



بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف طراحی و ارائه الگو از روزنامه‌نگاری شهروندی به منظور ارتقای حقوق شهروندی در ایران براساس نظریه داده‌بنیاد آغاز شده است. از این منظر، از رهیافت پژوهش کیفی نظریه داده‌بنیاد براساس مدل پارادایمی گزند تئوری بهره برده است. داده‌های پژوهش از فرایند مصاحبه عمیق با ۲۵ نفر از اساتید و صاحب‌نظران حوزه‌های علوم ارتباطات اجتماعی و جامعه‌شناسان متخصص در حوزه‌های روزنامه‌نگاری، رسانه و شبکه‌های اجتماعی که به‌واسطه

روش نمونه‌گیری هدفمند و نظری انتخاب و از طریق کدگذاری نظری تحلیل شده بوده‌اند، به اشباع نظری رسیده است.

نتایج پژوهش نشان داد که الگوی روزنامه‌نگاری شهروندی به منظور ارتقای حقوق شهروندی در ایران از ۱۴ مقوله اصلی، ۴۹ مقوله فرعی و ۶۰۹ مفهوم به اشباع نظری رسیده است و براساس عناصر پارادایم‌گرند تئوری استراوس و کوربین (۱۹۹۸)، الگویی از روزنامه‌نگاری شهروندی به منظور ارتقای حقوق شهروندی در ایران بر ساخته شده است. براساس الگوی بر ساخته شده می‌توان چنین گفت: مقابله با آسیب‌های فضای رسانه‌ای، یکی از شرایط علی توسعه روزنامه‌نگاری شهروندی در ایران است که مقولات فرعی مانند موانع و تهدیدات سیاسی، موانع و تهدیدات ارتباطی، موانع و تهدیدات اقتصادی، حاکم بودن فضای انحصاری و سوءاستفاده از رسانه‌ها، بی‌اعتمادی به روزنامه‌نگاری شهروندی، نبود پشتوانه علمی در روزنامه‌نگاری شهروندی، عدم مشروعیت و نگاه منفی به روزنامه‌نگاری شهروندی و بی‌اعتمادی به روزنامه‌نگاری سنتی را در خود جای داده است.

برای تحلیل، واکاوی و بررسی موانع و تهدیدات سیاسی، اقتصادی، ارتباطی و نیز فضای انحصاری حاکم بر رسانه‌ها و سوءاستفاده از آنها، می‌توان به آرای یورگن هابرماس و اندیشه‌های انتقادی او اشاره کرد مبنی بر اینکه «ارتباطات افقی میان شهروندان، جای خود را به ارتباطات عمودی میان رسانه‌های توده‌ای که اغلب تحت‌تأثیر دولت، سرمایه و مشتری‌اند داده است و فضا برای ارتباطات مشارکتی تنگ‌تر شده است» (دونی و فنتون، ۲۰۰۳). لذا این موانع و تهدیدات ارتباطی، سیاسی و اقتصادی حاکم بر جامعه با اندیشه‌های آدورنو و هورکهایمر درباره صنعت فرهنگ و حرکت به سوی جامعه‌ای به شدت دولتی‌شده همسوست (سالتر، ۱۳۸۳: ۱۳۹).

«موانع و تهدیدات سیاسی؛ ارتباطی، اقتصادی و اجتماعی باید در جامعه، کمتر و کمتر شوند و شهروندان روزنامه‌نگار بدون وا همه به کار خود ادامه دهند. آنها خود ساز و کارهای محیط رسانه‌ای‌شان را ایجاد می‌کنند و احتیاجی به دخالت دولت‌ها نیست.» (خبره کد ۲۱).

توسعه فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی- که خود شامل مقولات فرعی: نفوذ و قدرت فضای مجازی و توسعه تکنولوژی‌های ارتباطی است- به عنوان یکی دیگر

از شرایط علی روزنامه‌نگاری شهروندی مطرح است. به بیان دقیق‌تر، افزایش دسترسی به فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی و رشد قابل توجه امکانات و خدماتی که این فناوری‌ها در اختیار کاربران قرار می‌دهند، سبب شده است تا شهروندان عصر اطلاعات بیش از هر زمان دیگری بر فرایند ارتباطات اثر گذارند، رسانه‌های جدید را برگزینند و با خواسته‌ها و آرای خود، روند گزینش و برجسته‌سازی اخبار را در رسانه‌های جریان اصلی^۱ تحت‌تأثیر قرار دهند. در این مسیر شهروندان، خود محتوای مورد نظر ارتباطی را تولید و در شبکه‌های اجتماعی^۲، وبلاگ‌های شخصی و رسانه‌های شهروندی^۳ منتشر می‌کنند و به اشتراک می‌گذارند. از این رو، روند تولید و نشر اطلاعات، رنگ و رویی دیگر یافته است.

«یکی از دلایل رشد روزنامه‌نگاری شهروندی در ایران، افزایش استفاده از فضای مجازی خصوصاً با استفاده از گوشی‌های موبایل است تا حدی که حتی در روستاهای کوچک نیز بخشی از اطلاع‌رسانی‌ها از طریق اینترنت و شبکه‌های اجتماعی انجام می‌شود» (خبره کد ۱۷).

لذا مفهوم «روزنامه‌نگاری آماتور» اگر چه مفهومی جدید در عرصه روزنامه‌نگاری محسوب نمی‌شود، اما به مدد فناوری‌های رسانه‌ای، این مسئله همه گیر شده و هر شهروند با همراه داشتن یک تلفن موبایل و یا یک تبلت به خبرنگاری فعال در عرصه فعالیت‌های اجتماعی تبدیل شده است (قوانلو قاجار، ۱۳۹۴: ۷). در این ارتباط، باباخانی (۱۳۹۱) نیز در پژوهش خود به این نتیجه دست یافته است که رابطه معناداری بین نقش و تأثیر ارتباطات مجازی بر شکل‌گیری روزنامه‌نگاری شهروندی وجود دارد.

شکسته شدن انحصارگرایی و گردش آزاد اطلاعات که خود شامل مقولات فرعی چون: از میان رفتن تمرکزگرایی در حوزه رسانه‌ای، دسترسی آسان به اطلاعات و فراهم نمودن زیرساخت ارتباطی از سوی دولت است نیز به‌عنوان یکی دیگر از شرایط علی روزنامه‌نگاری شهروندی قلمداد می‌شود. «قطعاً توسعه زیرساخت‌های ارتباطی که دولت مستقیم یا غیرمستقیم در آن دخیل بوده است، باعث گسترش

1 . Mainstream

2 . Social Networks

3 . Citizen Media

روزنامه‌نگاری شهروندی و شکل‌گیری مفهوم شهروند روزنامه‌نگار شده است» (خبره کد ۲۰).

با این رویکرد، شکل‌گیری روزنامه‌نگاری شهروندی، تعریف جدیدی از مخاطب را بازتولید کرده است که با انحصارگرایی و استبداد در انتشار مطالب در فضای مجازی به رقابت و چالش برمی‌خیزد، تا آنجا که مخاطب به معنی قدیمی‌اش، اکنون در این بازنگری جایی ندارد؛ زیرا میان فرستنده و مخاطب، مرزی متصور نیست. زیست‌بوم خبری جدید، شرایطی به‌وجود آورده است تا روزنامه‌نگاری وارد دوران ضد انحصاری و دموکراسی دیجیتال شود (مسعودی، ۱۳۹۱: ۷).

از شرایط زمینه‌ای این الگو می‌توان به ساختار محتوایی رسانه‌ها و توجه ویژه به آنها اشاره کرد که این موضوع، مقولاتی فرعی همچون: تولید محتوا در روزنامه‌نگاری شهروندی، جریان‌سازی محتوای مفید و مناسب و اهمیت تولید محتوا از سوی شهروندان در ترغیب مشارکت اجتماعی را در برمی‌گیرد. «تمامی شهروندان می‌توانند دست به تولید محتوا بزنند و این تولید محتوا از آن رو که باعث شکوفایی فردی و اجتماعی آنها می‌شود؛ برای مشارکت شهروندان در سایر فعالیت‌های اجتماعی نیز زمینه‌ساز است که البته نباید از نقش روشنفکران و صاحبان فکر در تولید محتوا غافل بود که اغلب به جریان‌سازی رسانه‌ای منجر می‌شود.» (خبره کد ۹).

رحمانی فضلی و صادقی (۱۳۹۱) در نتایج پژوهش خود تصریح می‌کنند که برای جلب مشارکت شهروندان در امور مختلف جامعه، دو راه وجود دارد: یکی تعامل مستقیم و رودررو و دیگری، مشارکت غیرمستقیم از آنجا که شیوه اول مستلزم صرف هزینه، وقت و نیروی انسانی زیادی است، امروزه در غالب کشورهای دنیا از رسانه‌های جمعی در راستای جلب مشارکت‌های عمومی استفاده می‌شود. در واقع، رسانه‌ها از طریق بسترسازی می‌توانند زمینه‌های تقویت و مشارکت شهروندان را فراهم سازند.

از دیگر شرایط زمینه‌ای این الگو می‌توان به جهت‌گیری کنشی و فعالانه شهروندان اشاره کرد که شامل مقوله‌هایی فرعی همچون: تمایل شهروندان به تولید محتوا در روزنامه‌نگاری شهروندی، مردمی بودن محتوای روزنامه‌نگاری

شهروندی و تکامل و معنایابی شهروندان در تعامل با فضای مجازی می‌شود. باید افزود این شرط، روزنامه‌نگاری شهروندی را برخاسته از نیاز شهروندان و شکل‌گیری روزنامه‌نگاری شهروندی را به‌واسطهٔ علاقه‌مندی شهروندان به گفت‌وگوی آزاد و بی‌واسطه تلقی می‌کند. «شهروندان در راستای نیاز به دانستن و گفت‌وگوی آزاد و بدون واسطه، علاقه‌مند به روزنامه‌نگاری شهروندی می‌شوند و شهروندان در تعامل با یکدیگر در فضای مجازی به تکامل و معنایابی از خویش و دیگری می‌پردازند که مشارکت نیز جزئی از آن است» (خبرهٔ کد ۲۵).

در حقیقت، روزنامه‌نگاری سایبر این امکان را فراهم می‌سازد که روزنامه‌نگار، قالب و شکل بیان تک رسانه‌ای یا چند رسانه‌ای را به نظر و تشخیص خود انتخاب کند؛ با مخاطبان وسیعی در تعامل و گفت‌وگو قرار گیرد و تولیدات خود را با سایر تولیدات پیوند زند. در این فضا، و با این قابلیت‌های جدید، اشکال جدیدی از روزنامه‌نگاری پدیدار می‌شود که می‌توان آنها را روزنامه‌نگاری مبتنی بر حاشیه‌نگاری، روزنامه‌نگاری مبتنی بر منبع نامحدود و روزنامه‌نگاری فراسازگاران نامید (شکرخواه، ۱۳۸۴: ۴۰).

در ادامه می‌توان به اثرپذیری افراد خانواده از فضای مجازی که شامل مقوله‌های فرعی چون: ضرورت توجه والدین به محتوای دریافتی فرزندان از فضای مجازی، ضرورت تعبیه قوانین مصونیت بخش برای خانواده‌ها در استفاده از فضای مجازی، تولید محتوای مناسب در فضای مجازی برای خانواده‌ها و برنامه‌ریزی برای افزایش سواد رسانه‌ای خانواده‌ها اشاره کرد. «خانواده‌ها آسیب پذیرترین قشر در برخورداری از رسانه‌های شهروندی و فضای مجازی هستند که توجه جدی والدین در استفاده فرزندان از فضای مجازی را می‌طلبد که این کنترل نباید محسوس و باعث آزار فرزندان شود» (خبرهٔ کد ۱۴)

«دولت‌ها باید خانواده‌ها را در استفاده از فضای مجازی با تصویب قوانین صحیح حمایت کنند، ضمن آن که استفادهٔ صحیح از شبکه‌های اجتماعی و روزنامه‌نگاری شهروندی باعث پویایی خانواده‌ها می‌شود» (خبرهٔ کد ۲۳).

همچنین یکی از چالش‌های اصلی درگنش‌های اجتماعی، عدم انعکاس پیام این گنش‌ها به صورت واضح و تأثیرگذار است که نکتهٔ راهگشا و کلیدی این چالش توجه به

رسانه‌های جایگزین و روزنامه‌نگاری گُنشگر است که با شیوه مؤثرتری این پیام‌ها را منعکس می‌کنند. همچنین یکی از عناصر مهم رسانه‌های گُنشگر جذب مخاطب حداکثری برای شکل دادن به گُنش‌ها و جنبش‌های اجتماعی از پایین به بالا است (خانیکی و کوهستانی، ۱۳۹۴: ۳۵).

تعامل بین رسانه‌های جریان اصلی و رسانه‌های اجتماعی نیز که شامل مقولاتی فرعی همچون: ترکیب رسانه سنتی و مجازی و بحث جایگزین بودن رسانه‌های مجازی است نیز به‌عنوان شرایط مداخله‌ای در این الگو مطرح می‌شود. با این نگاه، شکل‌گیری گستره همگانی به تعامل سازنده بین رسانه‌های حرفه‌ای و شهروندی وابسته است؛ چراکه فضای رسانه‌ای فضایی یکپارچه است و رسانه‌های جایگزین در امتداد رسانه‌های جریان اصلی مطرح می‌شوند.

در این ارتباط، سون گان ناه و ماساهیرو یاماماتو (۲۰۱۵) در پژوهش خود با عنوان «بسترسازی اقتباس و استفاده از روزنامه‌نگاری شهروندی در روزنامه‌های آنلاین» به بررسی این موضوع می‌پردازند که روزنامه‌نگاری حرفه‌ای تا چه حد از روزنامه‌نگاری شهروندی اقتباس و استفاده می‌کند و شمشادی (۱۳۹۲) نیز در پژوهش خود نشان می‌دهد که روزنامه‌نگاران حرفه‌ای، مطالب مندرج شهروندی-خبرنگاران در شبکه اجتماعی فیس بوک را دارای اعتبار دانسته و با داشتن نگرش مثبت نسبت به آنها، این اخبار را پیگیری و بازنشر می‌کنند و برای تأیید اخبار رسمی مورد استفاده قرار می‌دهند.

«فضای رسانه‌ای فضای یکپارچه و یکدستی است و روزنامه‌نگاری سنتی و شهروندی در راستای هم و برای تکمیل هم هستند و جدایی میان آنها قائل تصور نیست و نمی‌توان پیشرفت یکی را در راستای اضمحلال دیگری دید» (خبره کد ۲).

ساماندهی و تدوین قوانین مناسب که شامل مقولات فرعی: شفاف‌سازی و اصلاح قوانین، تدوین قوانین موجد آزادی‌های مدنی و ضرورت تصویب قانون جامع رسانه‌ای در کشور نیز به‌عنوان یکی دیگر از شرایط مداخله‌ای مطرح هستند. یعنی از یک سو دولت‌ها باید به کم کردن موانع قانونی رسانه‌های شهروندی و دسترسی آسان به فضای مجازی مبادرت نموده و از سوی دیگر تصویب قانون و توسعه فرهنگ برای دسترسی آسان به اطلاعات در کنار وضع شدن مقررات

برای مشارکت در فضای مجازی با اهمیت می‌نماید. «دسترسی آسان و بدون فیلتر به اطلاعات از پیش شرط‌های دستیابی به دموکراسی است که زمینه‌ساز مشارکت شهروندان است. در این زمینه، اصلاح یا تصویب قوانین الزام‌آور ضروری و فرهنگ‌سازی برای نحوه مشارکت توسط دولت‌ها کمک‌کننده خواهد بود» (خبره کد ۲۳).

در نهایت توانمندسازی فرهنگی شهروندان که خود شامل مقولات فرعی: تغییرنگرش منفی نسبت به مشارکت اجتماعی، ارتقای سواد رسانه‌ای و آموزش شهروندان و تقویت آگاهی‌های اجتماعی شهروندان بوده است؛ به عنوان مقوله اصلی سوم، شرایط مداخله‌ای در مدل برساخته‌شده روزنامه‌نگاری شهروندی مطرح هستند؛ یعنی دولت‌ها باید ضمن فراهم کردن زمینه مشارکت مردم در امورات مختلف جامعه به‌واسطه تقویت آگاهی اجتماعی و از بین بردن حس بدبینی در مردم نسبت به مشارکت اجتماعی به تقویت و ارتقای سواد رسانه‌ای شهروندان به‌واسطه فرایند آموزش از طریق مکانیسم‌های مختلف جامعه‌پذیری- خاصه نهاد رسانه و نهاد آموزش- مبادرت ورزند. نتایج تحقیقات شیبانی و سپهوند (۱۳۹۳) که به بررسی رابطه کمی و کیفی برنامه‌های تلویزیونی و آگاهی از حقوق شهروندی پرداخته‌اند نیز بر این موضوع تأکید می‌کند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که تلویزیون در بالا بردن آگاهی مردم در زمینه حقوق شهروندی مؤثر است و زمینه را برای تحقق دموکراسی و جامعه شهروندمدار فراهم می‌کند: «دولت‌ها وظیفه سترگی در نهادینه‌سازی حس مشارکت در شهروندان بر عهده دارند. افزایش آگاهی‌های عمومی و سواد رسانه‌ای مردم باید به‌طور مداوم و همه‌گیر دنبال شود و البته فراهم‌سازی زمینه‌های مشارکت صحیح مهم‌تر و حیاتی‌تر است» (خبره کد ۶).

اما پدیده و یا مقوله محوری شناسایی‌شده در الگوی پیش رو پذیرش و گسترش روزنامه‌نگاری شهروندی است. این مقوله اصلی خود شامل مقولات فرعی همچون: نبود نگاه علمی در روزنامه‌نگاری شهروندی، روزنامه‌نگاری شهروندی و تغییر نگاه به مفهوم شهروند، شرایط اجتماعی و سیاسی ایران و فهم تهدیدگونه مدیران از فضای مجازی است.

راهبرد عمل در الگوی ارائه‌شده، عدم دخالت دولتها و به رسمیت شناختن استقلال رسانه‌ها و تقویت حوزه عمومی و جامعه مدنی است. تقویت حوزه عمومی و جامعه مدنی شامل مقولات فرعی چون: نهادینه سازی فرهنگ گفت‌وگو، تقویت روحیه مطالبه‌گری، تقویت گستره همگانی و تفاهم بین‌الذاهانی، تقویت روحیه انتقادی در شهروندان، تقویت مشارکت مدنی و تقویت اعتماد اجتماعی است. بدین‌ترتیب، روزنامه‌نگاری شهروندی به‌واسطه تولید محتوا توسط شهروندان، موجب نهادینه‌سازی فرهنگ گفت‌وگو در مردم، دستیابی به خیر جمعی و کنش‌های اجتماعی هم‌سو، ارتقای روحیه مطالبه‌گری شهروندان و نقد عملکرد دولت‌ها می‌شود. این امر، تقویت حوزه عمومی و جامعه مدنی را دربرخواهد داشت. در این ارتباط، اشاره به آرای آلن (۱۳۹۴) قابل تأمل است؛ او براین باور است که روزنامه‌نگاری شهروندی، پدیده‌ای است که با به چالش کشیدن مفهوم روزنامه‌نگاری سنتی و معیارها و شاخصه‌های آن پا به عرصه ظهور نهاد و با تکیه بر اهرم فن‌آوری‌های نوین، هر روز بر قدرت و نفوذ خود درمیان کاربران افزودن است. این نوع روزنامه‌نگاری که خود را به روزنامه‌نگاری مدنی نزدیک می‌کند، به نقش بی‌بدیل روزنامه‌نگاری شهروندی در مشارکت مدنی شهروندان در امور مرتبط با خود و نیز امور مرتبط با دولت و حکومت اشاره می‌کند. «روزنامه‌نگاری شهروندی حتماً باعث بهتر شدن شکل گفت‌وگوها در جامعه و شکل‌گیری کنش‌های هم‌سو می‌شود؛ آنجا که هدفی که مورد مطالبه عموم است، مطرح می‌شود که گاه این موضوع در نقد عملکرد دولتها، به‌خصوص در کشورهایی مثل ماست که گاه به‌دلیل مصالحی بعضی از مشکلات در رسانه‌های نوشتاری یا صداوسیما مطرح نمی‌شود که همین موضوع یعنی تقویت جامعه مدنی» (خبره کد ۱۰).

همچنین تحقیقات گود و دیگران (۱۳۹۳) نیز به این موضوع اشاره می‌کند. آنها معتقدند: «روزنامه‌نگاری شهروندی در مفهومی گسترده‌تر، عمدتاً تغذیه‌کننده و تقویت‌کننده قوه تخیل دموکراتیک است، زیرا دست‌کم، امکان بالقوه‌ای برای تبدیل خبر و روزنامه‌نگاری به بخشی از «گفت‌وگو» به وجود می‌آورد و موجب تقویت گفت‌وگوی دموکراتیک می‌شود؛ کاری که با آرمان‌های یورگن هابرماس و جیمز کری مطابقت دارد و آن را بازتاب می‌دهد».

در موضوع عدم دخالت دولتها و به رسمیت شناختن استقلال رسانه‌ها نیز

می‌توان به مقولات فرعی همچون: کاهش اقتدار دولت‌ها در فضای رسانه‌ای و پذیرش استقلال و آزادی عمل رسانه‌ها در انجام فعالیت‌های رسانه‌ای اشاره کرد. بدین ترتیب که دولت‌ها باید برای ماهیت و مختصات فضای وب، احترام قائل شده، فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی در فضای مجازی را به رسمیت بشناسند و از ارائه هرگونه مداخله دستوری و تجویزی در رسانه‌های شهروندی جداً پرهیز کنند. براساس توصیف هابرماس نیز حوزه عمومی، فضایی اجتماعی است که در کنش ارتباطی تولید می‌شود و حوزه عمومی پیرامونی، باید مبتنی بر جامعه‌ای مدنی باشد که متشکل از پیوندهای غیرحکومتی، غیراقتصادی و ارتباطات اختیاری است که تکیه‌گاه ساختارهای ارتباطات حوزه عمومی در بخش اجتماعی زیست جهانند و این امکان را پدید می‌آورند تا مسائل مشهود در حوزه‌های زندگی خصوصی در حوزه عمومی گسترش پیدا کنند (سالتر، ۱۳۸۳: ۱۴۰).

در نهایت می‌توان به پیامدهای کاربردی عمل اشاره داشت که شامل دو مقوله اصلی تبعات فرهنگی و تبعات سیاسی- اجتماعی است. در مقوله تبعات فرهنگی، می‌توان به مقوله‌های فرعی همچون: رشد و شکوفایی شخصیت فردی و رشد و شکوفایی اجتماعی و در مقوله تبعات سیاسی- اجتماعی به مقولات فرعی: افزایش آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی، تغییر نگاه مخاطب به مفهوم قدرت، دولت‌ها و ضرورت احترام به حقوق شهروندی و مشروعیت بخشی به دولت‌ها اشاره کرد. نتایج تحقیقات رستگارخالد و دیگران (۱۳۹۴) نیز بر این موضوع اشاره دارد. آنها در مقاله‌ای به ارائه چهارچوبی مفهومی برای شهروندی دموکراتیک پرداخته‌اند. این پژوهش، حقوق شهروندی دموکراتیک را نقطه پیوند مباحث شهروندی و دموکراسی می‌داند. در این رویکرد، شهروندان با آگاهی از حقوق شهروندی، خواهان مشارکت در جامعه‌اند و از طرف دیگر، دموکراسی نیز برای استقرار و تثبیت، نیازمند شهروندی دموکراتیک است. همچنین عنایتی و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیقی با موضوع رابطه آگاهی از حقوق شهروندی با رفتارهای اجتماعی دانشجویان دریافتند که سه بعد حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی، دارای رابطه معناداری با رفتارهای اجتماعی‌اند و رفتارهای اجتماعی دانشجویان، انعکاسی از میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی است.

«شکوفایی فردی توأم با رشد شخصیت فردی است. این مهم، ظهور نموده‌های

ارائه الگوی روزنامه‌نگاری شهروندی ...

جدید شخصیتی در افراد، تابعیت در نظام‌های سیاسی جدید و مبتنی بر دموکراسی را می‌طلبد؛ در حالی که اطلاعات کالای ضروری شبکه‌های اجتماعی محسوب می‌شود. تولید محتوا خودباوری و اعتماد به نفس را به همراه دارد و آزادی بیان، حق دانستن و مشارکت خودآگاهانه را در جامعه گسترش می‌دهد. مطالبه حقوق شهروندی، عقل‌گرایی و فردگرایی، از تبعات استفاده از شبکه‌های اجتماعی و باعث تلقی اطلاعات به عنوان کالای اجتماعی و نه اقتصادی است» (خبره کد ۸).

منابع و ماخذ

- آقابخش، علی (۱۳۹۳). فرهنگ علوم سیاسی، تهران: انتشارات تندر، چاپ پنجم.
- ازکیا، مصطفی و حسین ایمانی جاجرمی (۱۳۹۰). روش‌های کاربردی تحقیق، کاربرد نظریه‌بنیاد، جلد دوم، تهران: انتشارات کیهان.
- استراوس، آتسلم؛ و کریبن، جولیت (۱۳۸۷). اصول روش تحقیق کیفی، نظریه‌مبنایی، (مترجم: بیوک محمدی)، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- باباخانی، شیلا (۱۳۹۱). بررسی روزنامه‌نگاری شهروندی با تکیه بر ارتباطات مجازی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی.
- حریری، نجلا (۱۳۹۰). اصول و روش‌های کیفی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- خانیک، هادی؛ و پدرام الوندی (۱۳۹۰). «روزنامه‌نگاری شهروندی؛ رسانه‌ای در شبکه‌های اجتماعی»، فصلنامه علمی-ترویجی جامعه، فرهنگ و رسانه. شماره ۱: ۱-۲۵.
- خانیک، هادی؛ و کوهستانی، مرضیه (۱۳۹۴). روزنامه‌نگاری گنشگر؛ چشم‌اندازی نو در ارتباطات توسعه، مطالعه موردی: رسانه‌ای شدن میراث فرهنگی در ایران. فصلنامه رسانه، سال ۲۶ (۲): ۱۹-۳۸.
- دانایی‌فرد، حسن؛ و سیدمجتبی امامی (۱۳۸۶). «استراتژی‌های پژوهش کیفی، تأملی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیاد»، اندیشه مدیریت، شماره ۲: ۶۹-۹۷.
- رستگارخالد، امیر؛ عظیمی، هاجر؛ و رحیمی، ماریا (۱۳۹۴). ارائه چارچوبی مفهومی برای شهروندی دموکراتیک، فصلنامه حقوق ملل، شماره ۲: ۲۳۹-۲۵۷.
- سالتر، ل (۱۳۸۳). دموکراسی، جنبش‌های نوین و اینترنت، (مترجم: ایزدی)، فصلنامه رسانه، ۵۹: ۱۳۹.
- سهامی، سوسن؛ احمدی، سیروس؛ دوکوهی، لیلا؛ و حاجی‌پور، محمد (۱۳۹۵). «رابطه آگاهی از حقوق شهروندی و کیفیت زندگی در بین زنان ۲۵-۴۴ سال شهر شیراز»، فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه، سال هفتم، (۱): ۲۹-۴۴.
- شیانی، ملیحه (۱۳۸۹). «مشارکت اجتماعی کودکان»، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۷: ۱۵-۲۹.
- شیبانی، ملیحه؛ و سپهوند، ابراهیم (۱۳۹۲). رابطه کمی و کیفی برنامه‌های تلویزیونی و آگاهی از حقوق شهروندی. فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ۱۴، شماره ۴: ۵۴.
- شکرخواه، یونس (۱۳۸۴). روزنامه‌نگاری سایبر، تهران: انتشارات ثانیه.
- عالی، مسعود (۱۳۹۴). کدهای اخلاقی: گام اول مهندسی فرهنگی کشور. فصلنامه تدبیر، (۴): ۱۷۷-۱۹۳.
- عقیلی، سیدوحید؛ و سیدعرفان هاشمی (۱۳۹۱). «مطالعه و بررسی روزنامه‌نگاری شهروندی در حوزه عمومی مجازی و جایگزین»، فصلنامه علمی-ترویجی جامعه، فرهنگ و رسانه. شماره ۳: ۱۳۹-۱۸۸.
- فلیک، اووه (۱۳۸۸). درآمدی بر تحقیق کیفی. (مترجم: هادی جلیلی)، چاپ دوم، تهران: نشر نی.

قوانلو فاجار، مصطفی (۱۳۹۴). تحلیل شبکه‌های اجتماعی همراه با آموزش نرم افزارهای تحلیل شبکه «نودایکس ال» و «گفی». فصلنامه نقد کتاب، اطلاعات رسانی و ارتباطات، ۲، شماره ۷ و ۸.

کاستلز، مانوئل (۱۳۸۴). عصر اطلاعات: قدرت، هویت، (مترجم: علی پایا و حسن چاووشیان)، جلد دوم، تهران: طرح نو.

کاستلز، مانوئل (۱۳۹۳). عصر اطلاعات: ظهور جامعه شبکه‌ای، (مترجم: احمد علیقلیان و افشین خاکباز)، جلد یکم، چاپ سوم، تهران: طرح نو.

گود ل، دیگران (۱۳۹۳). روزنامه‌نگاری شهروندی و دموکراسی. (مترجم: محمود سلطان‌آبادی)، تهران: انتشارات ثانیه، چاپ اول.

مسعودی، امید (۱۳۹۱). آموزش روزنامه‌نگاری در ایران: راهبردهایی برای آینده. فصلنامه علمی ترویجی جامعه، فرهنگ و رسانه، ۱، شماره سوم.

منوچهری، عباس؛ و نجانی حسینی، سید محمود (۱۳۸۵). درآمدی بر نظریه شهروندی، گفت‌وگویی در فلسفه سیاسی هابرماس، دانشگاه تربیت مدرس: پایان‌نامه دکتری رشته فلسفه سیاسی.

مهدی‌زاده، شراره؛ و منصوره شیفته (۱۳۹۸). «تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر تحقق دموکراسی دیجیتال، مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه مازندران»، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۵۵: ۱۵۱-۱۳۱.

Abowitz, K. & Harnish, J. (2015). Contemporary discourses of citizenship. *Review of Educational Research*, 76 (4), pp. 653-690

Bowman, S. & Willis, C. (2010). The Future is Here, But Do News Media Companies See It? *Nieman Reports*, (4)59 6-11.

Crick, B. (2003). The English Citizenship Order 1999: Context, Content and Presuppositions in A. Lockyer, B. Crick & J. Annette (eds) *Education for Democratic Citizenship: Issues of Theory and Practice*. Aldershot: Ashgate.

Friedmann, J. (2014). *The prospect of cities*. Minneapolis: University of Minnesota Press.

Glaser, B. & Strauss, A. (1967). *The Discovery of Grounded Theory: Strategies for Qualitative Research*. Mill Valley, CA: Sociology Press.

Hoskins, B. Kerr, D. Abs, H. J. Janmaat, J.G. Morrison, J. Ridley, R & Sizmur, J. (2012). *Analytic Report Participatory Citizenship in the European Union*

Iija, V. I. (2017). *An Analysis of the Concept of Citizenship: Legal, Political and Social Dimensions*. University of Helsinki, Faculty of Social Sciences, Social and Moral Philosophy, Master's Thesis.

Johnson, L. and Morris, P. (2010). Towards a framework for critical citizenship education. *Curriculum Journal*. 21(1), pp. 77-96

Lovett, F. (2010). *A General Theory of Domination and Justice*. Oxford: Oxford University Press.

Shafir, G (2012). *The Citizenship Debates, a Reader*. University of Minnesota Press. Minneapolis / London.

Veugelaers, W. (2007). Creating critical-democratic citizenship education: Empowering humanity and democracy in Dutch education. *Compare*, 37 (1), pp. 105-119.